

تحلیل مفهوم آزادی و وطن‌پرستی در اشعار عارف قزوینی و ابوالقاسم لاهوتی

ایوب کوشان^۱

رؤیا چهره برقی^۲

رستم امانی آستمال^۳

چکیده

یکی از پر جاذبه‌ترین مضامین در ادبیات عصر مشروطه که ذهن و زبان گویندگان آن عصر را به خود مشغول کرده بود، مفهوم آزادی و وطن‌پرستی است. چیزی که تا پیش از آن شاعران این گونه بدان توجه نکرده بودند و اگر هم از آزادی و وطن‌پرستی سخن می‌گفتند هدفی غیر از مفاهیم و اهداف مورد نظر شاعران عهد معاصر مد نظرشان بوده است. در پژوهش حاضر به تحلیل ماهیت و مفهوم آزادی و وطن‌پرستی در اشعار عارف قزوینی و ابوالقاسم لاهوتی پرداخته می‌شود. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. از مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج این تحقیق می‌توان به رهایی مردم و میهن از یوغ استعمارگران، نفی استبداد و استبدادگری، عشق به وطن، میهن‌پرستی، آزادی طبقه کارگر، رنجبر، برزگر و قشر فقیر از ظلم و ستم‌هایی که از طرف ارباب و حکام آن عصر بر آنها تحمیل می‌شد، اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: آزادی، وطن‌پرستی، عصر مشروطه، عارف قزوینی، ابوالقاسم لاهوتی.

Analysis of the Concept of Freedom and Patriotism in the Poems of Aref Qazvini and Abolqasem Lahouti

Ayub Kusha, Assistant Professor, Persian Language and Literature Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Roya Chehrehbarghi, PhD Candidate of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Rostam Amani Astmal, Assistant Professor, Persian Language and Literature Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Abstract: One of the most attractive themes in the literature of the constitutional era, which enchanted the minds and language of that era's speakers, is the concept of freedom and patriotism. What that they had never noticed before, and if they talked of liberty and patriotism it was a purpose other than the ideas and aims of the contemporary art poets. In the present study, we analyze the nature and concept of freedom and patriotism in the poems of Aref Qazvini and Abolqasem Lahooti. The research dimensions of Aref Qazvini and Lahooti are about the words of the poems of the above poets, the purpose of this research is to extract and explain examples of its text that embody the concepts of freedom and patriotism. The statistical population and the sample size are the whole poetry of Aref and Lahooti. The research method is descriptive - analytic and data collection is collected through library research method. The data collection tool is the research note card and content analysis was used to analyze the data. The findings and results of this study are as follows: the emancipation of the people and the homeland from the yoke of the colonialists and the denial of tyranny, the patriotism and the liberty of the working class, the patriotism and the liberation of the working class, the rancor, the farmer and the poor, from the oppression which were imposed upon them by the masters and the rulers of the era.

Key words: Freedom, Patriotism, constitutional era, Aref Qazvini, Abolqasem Lahouti

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران، koushan@iaut.ac.ir (نویسنده مسئول).

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

مقدمه

از جمله انگیزه‌های نهضت مشروطه، دفاع از آزادی سیاسی و اجتماعی و مقابله با استبداد و استبدادگری و عشق به وطن بود، شاعر مشروطه نیز برای حمایت از مشروطه خواهان یکی از مضامین شعری خود را مبارزه با استبداد و توجه ویژه به وطن انتخاب کرد. به همین دلیل مبارزه با استبداد، مهم‌ترین محورهای شعر دوره معاصر و از محتوای ادب غنایی در این برهه زمانی را تشکیل می‌دهد. چرا که شاعر در برابر تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی، حساس و نکته‌بین است. او در برابر دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته است. و از هر فرصتی برای ابراز احساسات و انزجار خود از استبدادگران استفاده کرده و دست به قلم می‌شود. به طوری که یکی از عوامل مهم توجه شعرای دوره مشروطه به میهن و میهن پرستی، هجوم استعمار به وطن بود که برای تسخیر و تسلط بر هستی ایران دست به کار شده بود. لذا مقابله با استعمار و دستیابی به آزادی یکی از دغدغه‌های وطن پرستان از جمله شعرای دوره مشروطه شد و موضوع شعر اکثر شاعران آن دوره را از جمله عارف قزوینی و ابوالقاسم لاهوتی، آزادی خواهی و وطن پرستی تشکیل می‌داد. بر همین اساس در مقاله حاضر با بررسی اشعار شعرای مذکور بر آنیم که ماهیت و مفهوم آزادی و وطن پرستی را تحلیل و تبیین نماییم.

بیان مسأله

در پژوهش حاضر ماهیت و مفهوم آزادی و وطن پرستی در اشعار عارف قزوینی و ابوالقاسم لاهوتی، پرداخته می‌شود. دوره مشروطیت که ساخت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران را دچار تحول کرد، شعرای عصر مشروطه به عنوان افراد روشنفکر کشور با به کارگیری ابزار شعر به پیشبرد اهداف انقلاب مشروطه کمک شایانی نمودند؛ آنان شعر و ادبیات را به مانند ابزاری راهبردی در خدمت اهداف خود به کار گرفتند تا از این راه رسالت تاریخی خود را به انجام رسانند. در این پژوهش سعی محقق بر آن است، تا به تغییراتی که در معنا و مفهوم آزادی و وطن پرستی در این دوره رخ داده است، با بررسی و تحلیل اشعار شاعران منتخب اشاره نماید. و سؤال پژوهشی مقاله حاضر عبارت است از: ماهیت و مفهوم آزادی و وطن پرستی در اشعار عارف قزوینی و ابوالقاسم لاهوتی چیست؟

اهداف و ضرورت تحقیق

بررسی و تحلیل ماهیت و مفهوم آزادی و وطن پرستی، در دوره مشروطه آن طور که باید و شاید مورد بحث و تفحص قرار نگرفته است، بر همین اساس نیاز به تحلیل و بررسی دقیق‌تر و عمیق‌تری می‌طلبید، بخصوص به تحلیل و بررسی اشعار شعرای چون عارف قزوینی و ابوالقاسم لاهوتی چندان توجهی نشده است، بنابراین در حوزه تحقیقات در این زمینه خلأهایی احساس شد، و این عوامل اهمیت و ضرورت تحقیق و پژوهش بر روی اشعار این دو شاعر معاصر را از جنبه مؤلفه‌های غنایی ایجاب کرد. لذا استخراج و تبیین نمونه‌هایی از متن اشعار شعرای مذکور، هدف این پژوهش است.

پیشینه تحقیق

هر چند پیش از این برخی از پژوهشگران در زمینه مضامین و مفاهیم عناصر ادب غنایی در دوره معاصر به تحلیل و بررسی مختصر پرداخته‌اند؛ اما هیچ یک به شکل دقیق و موشکافانه به تفحص و نقد و تحلیل آن با تأکید بر آثار شعرای دوره مشروطه چون دهخدا، عارف، لاهوتی و ایرج میرزا نپرداخته‌اند، با این وصف به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط با موضوع مقاله اشاره می‌شود:

عمران نعمت اصفهانی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان: «وطن خواهی در شعر دوره مشروطه» عقیده دارد که: «از شاخه‌های شعر متعهد، شعر آن دسته از شاعرانی است که با عشق و ارادتی عمیق به توصیف «مأم وطن» روی آورده‌اند و در شکوه و ارجمندی آن داد سخن داده‌اند. گفتنی است که مفهوم وطن در شعر مشروطه با آن مفهومی که در شعر کهن از آن

اراده شده، متفاوت است. سید احمد کازرونی (۱۳۹۱) نیز در مقاله ای با عنوان «تحولات و ویژگی‌های شعر عصر مشروطه» می‌گوید: «تحولات و ویژگی‌های شعر در عصر مشروطیت در چند زمینه از جمله در موضوع و مضمون و تفکر و اندیشه، سادگی و روانی، توجه به زبان مردم و عوامانه‌ها، آشنا زدایی و توجه به باستان‌گرایی، بهره‌مندی از واژه‌ها و ترکیبات بیگانه و ساختار شکنی و دگرگونی در قالب‌های شعری صورت پذیرفت». در مقاله‌ای تحت عنوان: «هویت ملی در دیوان عارف قزوینی» نوشته محمد رضا علم و محمد علی جودکی (۱۳۸۸)، آمده است: «همواره از عصر مشروطه به عنوان نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران یاد شده است. در این عصر جامعه ایرانی در ابعاد مختلف دستخوش دگرگونی‌هایی گردید. زبان و ادبیات فارسی به مانند ادوار پیش نقش مهمی در بازسازی و تعمیق بخشیدن به هویت ملی ایرانیان در تاریخ معاصر داشته است. جنبش مشروطه خواهی در دهه اول سده بیستم میلادی، ساخت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران را در معرض دگرگونی قرار داد. شعرای عصر مشروطه، به عنوان بخشی از بدنه روشنفکری کشور، با به کار گیری برخی مؤلفه‌ها در درون مایه اشعار خویش، در صدد کمک به پیشبرد اهداف انقلاب مشروطه برآمدند. آنها شعر، ادبیات، هنر و زبان را به مثابه ابزاری راهبردی در خدمت ایده‌های خود در استخدام خود گرفته، رسالت تاریخی خود را از این طریق به انجام رساندند.»

مبانی نظری

مفهوم آزادی و وطن پرستی در دوره مشروطه

اینکه تا قبل از مشروطه شاعران و مردم از آزادی تلقی دیگری داشتند و بعد از مشروطه برداشتی دیگر، سخن درستی است. «آزادی در ادبیات فارسی و مفهوم سستی آن بخصوص در شعر عارفان، آرمانی از تعلقات دنیایی بوده که به آزادی فردی منجر می‌شود» (کلهر؛ ابراهیمی حصار، ۱۳۸۵: ۱۲۶ - ۱۲۷). آزادی در این مفهوم در آثار شاعران ادوار گذشته چون حافظ و مولانا به خوبی نمایان است. برخی نیز آزادی را رهایی از بند و زندان معنی کرده‌اند. اما مفهومی دیگر از آزادی که در شعر مشروطه وارد شده است، آزادی سیاسی و اجتماعی است و نام انقلاب به خود می‌گیرد، آن آزادی که فرزندان یک سرزمین برای به دست آوردن آن به ایجاد دگرگونی در ساختار اجتماعی اقدام می‌کنند. در زمان مشروطه نوعی آزادی به مفهوم دموکراسی غربی در ایران پا گرفت. با این حال در بین شاعران در بیان مفهوم آزادی در صدر مشروطه اختلافاتی وجود داشت. این تعارض بین آزادی مطلق یا آزادی مشروع در دین بروز یافت و موجب ایجاد اختلافاتی شد. این تعارض از آنجا حاصل شد که آزادی مفهومی کلی و غیر قابل تعریف واحد و یکسانی دارد. اما اغلب شعرای مشروطه، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی را مورد توجه قرار داده و به ستایش آن پرداخته و از هر کوششی برای برداشتن موانعی‌ای که آنها را از مسیرشان باز می‌داشت دریغ نکردند. و خواستار استمرار فضای باز سیاسی بودند. از این رو پس از مشروطه هر وقت استبداد با هر چهره‌ای خودنمایی می‌کرد، شاعر مشروطه برای دفاع از آزادی دست به قلم می‌شد و به ستایش از آزادی و انتقاد از استبداد می‌پرداخت؛ زیرا آنچه پیوسته آزادی را محدود می‌کرد عوامل قدرت و حاکمیت استبداد بود.

اما در مورد مفهوم وطن و وطن پرستی در دوره مشروطه می‌توان گفت، با ظهور انقلاب مشروطه و تحولاتی که در جامعه روی داد، مفهوم وطن دگرگون شد و چنانکه شفیعی کدکنی در مقاله «تلقی قدما از وطن» می‌نویسد: «اندیشه قومیت ایرانی هم به شکل خاص امروزی که خود متأثر از طرز برداشت ملل اروپایی از مسئله ملیت است یک مسئله جدید به شمار می‌رود که با مقدمات انقلاب مشروطیت از نظر زمانی همراه است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۶۴۱) و در واقع «ایران را وطن انگاشتن و ایرانیان را خواهران و برادران وطنی خواندن، پیامدی نو در گفتمان ادبیات سیاسی این دوره و حاصل همین عوامل بود» (کلهر؛ ابراهیمی حصار، ۱۳۸۵: ۱۳۶). لذا وطن دوستی یا عشق به میهن یکی از افتخارات انسان در طول

تاریخ و جزو مهم‌ترین درونمایه های اشعار شاعران معاصر فارسی است. از جمله این شاعران، شاعران ملی‌گرای دوره معاصر هستند که احساس عشق به وطن در جای جای اشعارشان به خوبی مشهود است.

مفهوم وطن از دیر باز در ادبیات فارسی نمود و عینیت داشته است. اما مفهوم وطن در ادبیات قبل از مشروطه متنوع بوده است، گروهی مثل صوفیه وطن را همان عالم علوی می‌دانند. گروهی آن را ولایت یا شهر یا زادگاه و یا محل پرورش خود می‌دانند. گروهی نیز وطن اسلامی را مد نظر قرار داده و عالم اسلامی را وطن خود می‌دانند. از نظر علمی مفهوم وطن و ملت به معنای کنونی آن و به معنای سیاسی آن دستاورد عصر انقلاب صنعتی و دوران سرمایه‌داری و نیز متأثر از انقلاب‌های بورژوازی مثل انقلاب کبیر فرانسه است. «در آستانه نهضت مشروطیت، واژه وطن جایگاه خود را در ذهن و زبان روشنفکران و گویندگان و سپس در بین عامه مردم باز کرد» (خارابی، ۱۳۸۰: ۳۰). بنابراین در ادبیات مشروطه و بخصوص شعر، با توجه به اهمیت مفهوم وطن در انقلاب مشروطه و پیوند متقابل حوادث تاریخی و اجتماعی با این موضوع، نگاه شاعران به موضوع وطن و بازتاب این موضوع در شعر آنان در خور تأمل است. وطن به عنوان یک مفهوم سیاسی قبل از مشروطه به این شکل سابقه نداشت؛ زیرا هیچ گاه وطن به عنوان یک آیین سیاسی - اجتماعی مطرح نبوده است (توکلی طرفی، ۱۳۸۲: ۶۵). اما در این دوره، شاعران تحت تأثیر تحولات سیاسی و اجتماعی جهانی که استعمار، مفهوم ناسیونالیسم یافت، قرار گرفته تا جایی که با گذشت قرن نوزدهم و فرا رسیدن قرن بیستم، عشق به وطن و ملت پرستی، هدف سیاسی بیشتر مردم گردید.

آزادی و میهن پرستی در اشعار عارف قزوینی و ابوالقاسم لاهوتی

عارف قزوینی

«حوادث انقلاب مشروطیت و جانفشانی مردم برای به دست آوردن آزادی و عشق به وطن، آتشی را در روح عارف قزوینی برافروخت و موجب شد تا با سرودن اشعار پرشور انقلابی، به شاعر و هنرمندی محبوب مبدل شود و همگان، آرزوها و رؤیاهایشان را در شعرهای او بیابند. اشعار وی در بحبوحه انقلاب در سنگرهای مبارزه با استبداد، دست به دست می‌شد و آتش انقلاب را همچنان در دل مجاهدان و مبارزان زنده نگه می‌داشت. عارف را شاید بشود نخستین شاعر ایرانی دانست که شعری را به طور مستقیم به خدمت مفاهیم سیاسی در آورد» (عابدی، ۱۳۹۱: ۶۷). از مشهورترین شعرهای او در روزهای انقلاب مشروطیت می‌توان از تصنیف «از خون جوانان وطن لاله دمیده» یاد کرد که در نهایت سادگی و با مضامین سیاسی و اجتماعی شور و حال عجیبی در بین مردم بر پا می‌کرد، و یا در سنگرهای پیکار، در گورستان شهدا، در مراسم یادبود و جشن‌های بزرگداشت مرتب از طرف مردم خوانده می‌شد و همگان را به آنچه بر این ملت در دوران استبداد گذشته بود، آگاه می‌ساخت. او در این خصوص می‌نویسد: «اگر من خدمتی دیگر به موسیقی و ادبیات ایران نکرده باشم وقتی تصنیف‌های وطنی ساخته‌ام که ایرانی از هر ده هزار نفر یک نفرش نمی‌دانست وطن یعنی چه» (عارف قزوینی، ۱۳۵۸: ۳۳۴). البته عارف در خصوص وطن‌خواهی کمی اغراق کرده است، اما نمی‌توان علاقه او را به وطن نادیده گرفت. به خاطر مفاهیمی که در ترانه‌های او وجود دارد و همین «عشق و علاقه او به وطن، باعث شده است که مردم و روزنامه‌ها به او لقب شاعر ملی داده‌اند. حتی تا روزگار ما نیز تصنیف «از خون جوانان وطن لاله دمیده» زنده و تأثیرگذار است» (سپانلو، ۱۳۶۹: ۴۱). چرا که شاعر عهد مشروطه سروده‌های خود را بخصوص در حیطة وطن‌خواهی با سوز دل سروده و ملت را به بیداری و آگاهی دعوت می‌کند. و میهن‌پرستی را لازمه استقلال‌طلبی می‌داند و دفع فتنه استبداد و استعمار را در گرو آن می‌بیند. او معتقد است مردم باید وطن‌خواهی را در ذات و وجود خود نهادینه سازند. اما در این راه هر کدام از شعرا برای بیان احساسات خود راهی را برگزیده‌اند. برخی به گونه‌ای منطقی با این موضوع برخورد کرده و اشعار دلنشین و توأم با

احساسات معقول و طبیعی می‌سرایند. در حالی که بعضی دیگر راه اغراق را در پیش گرفته و به دور از منطق و کاملاً احساساتی با موضوع مورد نظر درگیر شده‌اند. همچنین «عارف در شعرهایش به طور گسترده‌ای از قهرمانان مورد علاقه مردم، همانند کاوه آهنگر، فرهاد و سیاوش نیز استفاده کرده است و آن‌ها را همچون نمادهای عشق به میهن در مقابل استبداد و ظلم قرار داده است» (عابدی، ۱۳۹۱: ۶۸).

ایران چنان تهی شد از هر کسی که دست ایرانیان به دامن ما نا کسان زدند
سردارهای مانده از کاوه یادگار صف زیر بیرق و علم «شونمان» زدند
(عارف قزوینی، ۱۳۸۱: ۹۷)

ابوالقاسم لاهوتی

ابوالقاسم لاهوتی در کار شعر و شاعری همچون شعرای معاصر خود؛ مانند: میرزاده عشقی و عارف قزوینی تحت تأثیر فضای نوین اجتماعی بوده و تا حدودی از ادبیات نوین و فرهنگ جدید ترکیه و قفقاز تأثیر پذیرفته است. وی نیز مانند شعرای مذکور در ادبیات کلاسیک فارسی مهارت چندانی نداشته است، اما «جلوه‌های رومانتیک در شعر و شخصیت او در مقایسه با شعر عشقی و شخصیت عارف ناچیز به نظر می‌آید. به هر حال این گرایش رومانتیک که ناشی از روح رومانتیسم انقلابی دوران است، نمودهای مشخصی در شعر لاهوتی دارد. بسیاری از شعرهای وی محتوای سیاسی صریح دارند؛ صراحتی که به ارزش هنری آنها صدمه زده است» (جعفری، ۱۳۸۶: ۹۰). این ویژگی در شعرهایی که در دوره دوم زندگی‌اش در شوروی سروده بازتاب بیشتری دارد. در میان نخستین شعرهای لاهوتی رگه‌هایی از احساس و عاطفه‌ای سرشار دیده می‌شود که تحت تأثیر فضای زمانه و نوآوری‌های شعرای دوران، حس درونی شاعر را آشکار می‌کند. تا جایی که «نخستین غزل او که لحن آزادی‌خواهی داشت، در روزنامه جلال‌المتین کلکته انتشار یافت و تا اندازه‌ای برای او شهرت و افتخار به ارمغان آورد. شاعر جوان در تهران شب‌نامه و اوراق سیاسی منتشر می‌کرد و در انقلاب مشروطیت در صف فدائیان آزادی قرار داشته است» (شکیبا، ۱۳۷۰: ۲۵۷).

اکثر شعرهای لاهوتی با اندیشه میهن پرستانه و وطن‌خواهی سروده شده، با این که وی از وطن دور بود، اما از اوضاع پریشان کشور در نگرانی و تشویش به سر می‌برد و حس میهن پرستی در بیشتر اشعار وی موج می‌زند و خواهان صلح و آرامش برای ایران و ایرانیان است:

بسا آرزو در زندگانی در کودکی داشتم و جوانی که صلح و دوستی بین آدم‌ها جاویدان گردد در همه دنیا
(لاهوئی، ۱۳۵۸: ۴۹۴ - ۴۹۳)

یکی دیگر از آرزوهای لاهوتی بازگشت به میهن بوده؛ چنان که سعید نفیسی درباره شرح دیدار خود با لاهوتی در سال ۱۳۲۴ خورشیدی گفته است: «لاهوئی شنید که من به روسیه رفته‌ام، تقاضا کرد به طور خصوصی با یکدیگر ملاقات کنیم. او به هتلی که در آن اقامت کرده بودم آمد و همین که در اتاق را بست بی‌اختیار یکدیگر را در آغوش کشیدیم و او مدتی گریست. گریه او بیشتر به خاطر دوری از وطنش بود؛ چندین بار به صراحت به من گفت که آرزو دارد بار دیگر به ایران بیاید و در همان جا بمیرد» (صدری‌نیا، ۱۳۷۵: ۲۱۰).

لاهوئی آرزو دارد که به زودی انقلاب شود و یا زنده نباشد تا جهان را این چنین ببیند و یا این که جهان از خون گلگون شود، آن چه در شعر زیر بیشتر جلب توجه می‌کند وجود احساس و عاطفه و عشق و علاقه نسبت به میهن است:

انقلاب البته روزی می‌شود در شرق بر پا آرزو دارم ولی آن روز را اکنون ببینم
کاشکی لاهوتی، اندر این دو روز زندگانی یا نبینم این جهان را یا ز خون گلگون ببینم
(لاهوئی، ۱۳۵۸: ۸۱)

شعر «وفا به عهد» یکی از بهترین اشعار لاهوتی به شمار می‌رود. این شعر که در قالب نو پدید چهار پاره و در تاریخ ۱۳۲۷ ق. / ۱۹۰۹ م. سروده شده است. یکی از نخستین شعرهای نوگرایانه در ادبیات جدید فارسی است که از نظر ادبی و هنری دچار نواقص و ضعف‌های رایج آن عصر نیست. شعر حالتی روایی - داستانی و نمایشی دارد و مادر دلشکسته‌ای را توصیف می‌کند که پس از فتح تبریز و شکست مستبدان و از میان رفتن دشواری‌های معیشت و زندگی به سر قبر فرزند شهید خود می‌رود و به نشانه وفاداری با دیده‌ای پر اشک، دامنی از نان بر سر قبر فرزند می‌نهد:

اردوی ستم خسته و عاجز شد و برگشت برگشت نه با میل خود، از حمله احرار
ره باز شد و گندم و آذوقه به خروار هی وارد تبریز شد از هر در و هر دشت
از خوردن اسب و علف و برگ درختان فارغ چو شد آن ملت با عزم و اراده
آزاده زنی بر سر یک قبر ستاده با دیده‌ای از اشک پر و دامنی از نان
(همان: ۲۰۳)

وی نیز همچون شعرای معاصر خود به آزادی و آزادی‌خواهی توجه داشته و در اشعار خود از این مضمون به‌کرات و به گونه‌های متفاوت و با طرز بیان خاص خود که گاهی بر گرفته از رومان‌تیسیم اروپایی بوده، به کار برده است:

لشکر تاجیک! بگشا بازوی مردانه را محو کن اردوی آزادی کش بیگانه را
(همان: ۱۷۳)

لاهوتی برای رسیدن به آزادی، با هر چیز که سد راهش است، می‌جنگد و در این راه از هیچ سختی‌ای ترس و واهمه‌ای ندارد:

گر چرخ به کام ما نگردد کاری بکنیم تا نگردد
هرگز قد مردمان آزاد با هیچ فشار تا نگردد
لاهوتی اگر بمیرد از رنج تسلیم به اغیا نگردد
(همان: ۸۵)

لاهوتی از جمله شعرایی است که دور از وطن بوده، اما حس وطن‌پرستی در وی نه تنها هیچ خاموش نگشته بلکه همیشه به فکر میهن و آزادی آن از دست بیگانگان و مستبدان بوده و از این بابت هم دغدغه ذهنی داشته و مدام در تشویش و نگرانی به سر می‌برده است؛ تا جایی که در یکی از شعرهایش که در پاسخ به رومن رولان - نویسنده نامدار فرانسوی - سروده است، داستان نگرانی‌هایش را این گونه بازتاب می‌دهد:

به نامه‌ات، وطنم را نوشته‌ای آزاد به رخ ز دیده‌ام از شادی آب می‌آید...
(همان: ۱۵۳)

لاهوتی در شعر «خلق‌های ایران» مردم را به بیداری و مبارزه جویی فرامی‌خواند و به آنها یادآور می‌شود که در این راه، تنها هدفشان آزادی باشد:

ای شیران ترک، ای گردان‌گرد ای مردان فارس، از بزرگ و خرد
راهتان یکیست: راه آزادی راه زندگی، خلافتی، شادی
(همان: ۵۴۵ - ۵۴۴)

نهایت علاقه لاهوتی به وطن، آن چنان است که در راه وطن حاضر است جان خود را فدا کند:

جان دریغ از راه ایران نکند لاهوتی او از اول سرخود در سر این خانه فروخت
(همان: ۵۶)

«لاهوته میهن پرستی راستین بوده است؛ زیرا با آنکه سالیان دراز دور از ایران به سر برد، یک دم نیز میهنش را از یاد نبرد و همیشه به ایرانی بودنش می‌بالید و می‌نازید و مانند دل داده‌ای که از دلدار جانی خود دور افتاده باشد، به یاد ایران ترانه سرایی می‌کرد و به هر بهانه، نام ایران را در سخنش می‌آورد» (همان: ۴۹)

تینده یاد تو، در تار و پودم، میهن، ای میهن! بود لبریز از عشقت وجودم میهن، ای میهن!...
(همان: ۴۴)

لاهوته پیوسته نگران و اندوهگین از بی سر و سامانی ایران است و این احساس در بیشتر اشعار وطنی او موج می‌زند:
ز شب تا بامدادان، می‌کنم فریاد و می‌نالم ز دست بخت بد فرجام، دارم داد و می‌نالم
ز فقر زارع و دل سختی مالک بود روشن که ایران می‌شود ویران ز استبداد و می‌نالم...
(همان: ۶۶)

لاهوته در شعر «امتحان وفا» جان دادن در راه وطن را نوعی آزمایش می‌داند:

آتش اگر چه سوخت تن ناتوان من گل کرد عشق و ماند به عالم نشان من
تاریخ جنگ رنجبران را برو بخوان خواهی اگر خبر شوی از داستان من
خود این که سوختم ننمودم شکایتی کافی بود به راه وفا امتحان من
(همان: ۹۷ - ۹۶)

دلبستگی به وطن در فکر و شعر لاهوته موج می‌زند، تا آنجا که هر کس را که نسبت به وطن تعهدی ندارد و یا ضد وطن است، به شدت سرکوب می‌کند:

آنکه بر ضد وطن کوبد در بیگانگان ضرب سخت از چکش آهنگران خواهد گرفت
مزد این سان پادوی بهر فروش مملکت سیلی از مردان، قفایی از زنان خواهد گرفت
(همان: ۱۲۳)

لاهوته بر آن است که هر کس بدخواه وطن را دستگیری کند، از هجوم مردم در امان نخواهد ماند:
دشمن ملت که خون از توده جاری می‌کند در فنای هستی خود پافشاری می‌کند
از هجوم مردم شوریده گردد پایمال هر که بدخواه وطن را دستگیری می‌کند
(همان: ۱۲۴)

لاهوته همچنین افراد ضد وطن را جاسوس و وجود این افراد را باعث شادی دشمن می‌داند:
ضد وطن، ارتجاع جاسوس بود دشمن خوش از این قوه منحوس بود
از حبس مشو فسرده، ای دوست که این سنگ محک مردی و ناموس بود
(همان: ۱۳۷)

لاهوته در شعر «سپارش مادر ازبک» از فرزندان ملت می‌خواهد از دشمن روی برنگردانند تا زمانی که آنها را نابود نکرده‌اند:

رو پسر جانم ز دشمن رو مگردان، برنگرد گر نگردد قاتل از تیغ تو غلتان، برنگرد
(همان: ۱۷۹)

لاهوته بر این عقیده است که پیروزی میسر نمی‌شود، مگر اینکه همه مردم با هم یکدل و متحد شوند:
خلق ما با ارتش خود یکدل و جان گشته است تا که دشمن را کند بی جان، نمایش می‌دهد
(همان: ۱۷۴)

یکی از جلوه‌های مهم وطن پرستی، بیگانه ستیزی است. لاهوتی به هیچ قیمتی حاضر نیست که با دشمنان وطن کنار بیاید؛ او از ایرانیان می‌خواهد که از هیچ تلاش و کوششی برای پاسداری از وطن دریغ نورزند:

وطن خواهان، وطن ویرانه گردید وطن، منزلگه بیگانه گردید
به خاک ما، تجاوزهای اغیار بر اهل جهان افسانه گردید
(همان: ۴۵۰)

می‌دانیم که پیشرفت هر ملت، دستاورد تلاش و غیرت آن ملت است. سروده‌های لاهوتی نیز مؤید این نظر است، چنان که وی به مادر وطن این وعده را می‌دهد که هیچ وقت فریب بیگانگان را نخواهد خورد و وطن را از بند اجانب رها کند:

ای مادر وطن پسرانت نمرده‌اند آسوده باش، گول اجانب نخورده‌اند
(همان: ۴۵۱)

«لاهورتی با آن که در خارج از وطن، زندگی مرفهی داشته است، اما نمی‌تواند احساسات وطنی خود را سرکوب کند و از افکار پریشان خود رها شود» (حسینی آبیاریکی، آرمان؛ حیدری، پروین، ۱۳۹۳: ۶۱)

من هم وطنم اسیر مانده است در پنجه دشمنان زحمت
هر چند که در پناه شورا من خویش رسیده‌ام به راحت...
اما هر شب هزار گردن در بند ستم به خواب بینم
پس سایه سرخ روی ایران از پرچم انقلاب بینم
(همان: ۵۷۲)

نتیجه گیری

از شاخه‌های شعر دوره مشروطه، شعر آن دسته از شاعرانی است که با عشق و ارادتی عمیق به توصیف آزادی و «مادام وطن» روی آورده‌اند و در شکوه و ارجمندی آن داد سخن داده‌اند. گفتنی است که مفهوم وطن و آزادی در شعر مشروطه با آن مفهومی که در شعر کهن از آن اراده شده، متفاوت است. لذا مهم‌ترین نتایجی که می‌توان از مطالب مطرح شده به دست آورد، عبارتند از: ۱. وطن‌خواهی در شعر دوره مشروطه در سطح گسترده‌ای با ناسیونالیسم همراه است، ۲. آن اندازه که ستایش وطن در شعر دوره مشروطه با انگیزه‌ها و مقاصد سیاسی همراه بود، شعر کهن از چنین خصیصه‌هایی برخوردار نبوده است، ۳. در دوره مشروطه سروده‌های وطنی، در برانگیختن احساسات ملی و ضداستعماری تأثیر فراوانی داشته است، ۴. توصیف وطن و ستایش آن در شعر شاعران عصر مشروطیت با جلوه‌های گوناگون همراه است.

منابع

۱. اصفهانی عمران، نعمت (۱۳۹۷)، «وطن‌خواهی در شعر دوره مشروطه»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا، سال نهم، شماره ۲، (پیاپی ۱۹)، صص ۲۹ - ۱۱.
۲. توکلی طرفی، محمد (۱۳۸۲)، تجدد بومی و بازاندیشی تاریخ، تهران: تاریخ ایران.
۳. جعفری، مسعود (۱۳۸۶)، سیر رومان‌تیسیم در ایران از مشروطه تا نیا، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
۴. حائری، سید هادی (۱۳۷۳)، افکار و آثار ایرج میرزا، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
۵. حسینی آبیاریکی، آرمان؛ حیدری، پروین (۱۳۹۳)، «بازتاب مفاهیم سیاسی و اجتماعی در اشعار ابوالقاسم لاهوتی»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، سال دوم، شماره ۷، صص ۸۰ - ۵۸.
۶. خرابی، فاروق (۱۳۸۰)، سیاست و اجتماع در شعر عصر مشروطه، تهران: دانشگاه تهران.

۷. سپانلو، محمد علی؛ مهدی اخوت (۱۳۶۹)، چهار شاعر آزادی، تهران: نگاه.
۸. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۲)، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران: سخن.
۹. شکبیا، پروین (۱۳۷۰)، شعر فارسی از آغاز تا امروز، تهران: هیرمند.
۱۰. صدری نیا، باقر (۱۳۷۵)، «مفهوم ملیت در شعر ابوالقاسم لاهوتی»، مجله ایران شناخت، شماره ۲، صص ۱۸۵ - ۷۳.
۱۱. عابدی، داریوش (۱۳۹۱)، عارف قزوینی، چاپخانه محرر، تهران: انتشارات کمک آموزشی، چاپ سوم.
۱۲. عارف قزوینی، ابوالقاسم (۱۳۵۸)، کلیات دیوان عارف قزوینی، با اهتمام عبدالرحمن سیف آزاد، تهران: امیرکبیر.
۱۳. _____ (۱۳۸۱)، دیوان عارف قزوینی، تدوین محمد علی سپانلو - مهدی اخوت، تهران: نگاه.
۱۴. علم، محمد رضا؛ جودکی، محمد علی (۱۳۸۸)، «هویت ملی در دیوان عارف قزوینی»، مجله علمی - پژوهشی علوم سیاسی، مطالعات ملی، شماره ۳۹، صص ۱۷۶ - ۱۵۹.
۱۵. کازرونی، سید احمد (۱۳۹۱)، «تحولات و ویژگی‌های شعر عصر مشروطه»، فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر، شماره پیاپی: یازدهم، صص ۲۸ - ۱۱.
۱۶. کلهر، محمد، ابراهیمی حصار، فاطمه (۱۳۸۵)، «مفاهیم نو در ادبیات مشروطه»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مسکویه، دانشگاه آزاد اسلامی ری، شماره ۵، صص ۱۵۲ - ۱۱۷.
۱۷. لاهوتی، ابوالقاسم (۱۳۵۸)، دیوان اشعار، به اهتمام احمد بشیری، تهران: انتشارات امیرکبیر.